



بررسی کارکردهای مذهبی (آیینی) و سیاسی تخت جمشید در دوره هخامنشیان با تکیه بر سبک معماری آن

سلطانعلی کریمی^۱، فیض الله بوشاسب گوشه^۲، احمد کامرانی فر^۳

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران پیش از اسلام، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران، soltanalikirimi@shu.iaun.ac.ir

^۲ (نویسنده مسئول) دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران، f-boushasb@phu.iaun.ac.ir

^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران، a.kamranifar@phu.iaun.ac.ir

چکیده

نقش آیین‌های باستانی و مذهبی تخت جمشید به دلیل اینکه جزء پدیده‌های تأثیرگذار بود و در دوره هخامنشی پارسه نام داشت به عنوان پایتخت، در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. صاحب‌نظران نظریه‌های متفاوتی درباره کارکرد اصلی تخت جمشید مطرح کرده‌اند. برخی این مجتمع را یک مجموعه سیاسی و اداری دانسته‌اند و گروهی نیز آن را تختگاهی آیینی و فقط یک معبد و پرستشگاه می‌دانند. آن چنان که از شواهد و مدارک به دست آمده، مانند سنگ‌نوشته‌های پارسی و الواح ایلامی می‌توان دید این است که تخت جمشید علاوه بر امور سیاسی و تشکیلات اداری، محل برگزاری تشریفات آیینی فراوانی از جمله نوروز و مهرگان بوده است. به همین دلیل می‌توان بر فرضیه تختگاه آیینی پارسه تأکید بیشتری داشت و جنبه مرکزی اداری و سیاسی آن را کم‌اهمیت‌تر دانست، ولی نمی‌توان آن را فقط یک معبد و پرستشگاه مذهبی در نظر گرفت. روش تحقیق در این پژوهش باتوجه به ماهیت نظری آن، تاریخی و به شیوه تبیینی - تحلیلی و در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

اهداف پژوهش:

۱. بیان تأثیرگذاری عوامل مؤثر بر انتخاب تخت جمشید به عنوان پایتخت و نقش آن در توسعه و گسترش دولت هخامنشی.
۲. بررسی کارکردهای مذهبی و آیینی تخت جمشید با تکیه بر سبک معماری آن.

سؤالات پژوهش:

۱. چه عواملی مؤثر بر انتخاب تخت جمشید به عنوان پایتخت مؤثر بودند؟
۲. کارکردهای مذهبی و آیینی تخت جمشید و بازتاب آن‌ها در سبک معماری آن چگونه بود؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۳

دوره ۲۱

صفحه ۵۴۰ الی ۵۵۹

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

تاریخ داوری: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

تخت جمشید، آیین‌های باستانی، پرستشگاه، هخامنشیان، جشن‌ها.

ارجاع به این مقاله

کریمی، سلطانعلی، بوشاسب گوشه، فیض‌الله، & کامرانی فر، احمد. (۱۴۰۳). بررسی کارکردهای مذهبی (آیینی) و سیاسی تخت جمشید در دوره هخامنشیان با تکیه بر سبک معماری آن. مطالعات هنر اسلامی، ۲۱(۵۳)، ۵۴۰-۵۵۹.



[dorl.net/dor/20.1001.1.*
***** ** */](https://doi.org/10.22034/IAS.2023.406825.2245)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2023.406825.2245](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2023.406825.2245)

مقدمه

منابع تاریخی، تخت جمشید را به عنوان یکی از مهم ترین پایتخت های ایران باستان در دوره هخامنشیان می دانند. پارسه یا تخت جمشید مهم ترین میراث دوره هخامنشیان است که موضوع بررسی های گوناگون قرار گرفته، اما هنوز معمایی حل نشده آن درباره کاربرد تخت جمشید باقی مانده است. دو نظریه در مورد تخت جمشید مطرح است. نظریه نخست بر این بوده که تخت جمشید تختگاه تابستانه شاهان هخامنشی بود؛ اما گروهی دیگر به معبد بودن این تختگاه اعتقاد بیشتری دارند. برای بیان این مسئله در پژوهش حاضر ضمن بررسی و تحلیل دو نظریه گفته شده، فرضیه دیگری را هم در نظر می گیریم که تخت جمشید نه یک معبد صرف و نه فقط یک پایتخت سیاسی کشور بوده است. مجموعه پارسه یک پایتخت سیاسی و اداری نبوده، بلکه آن مجموعه یک پایتخت فرهنگی بوده که آیین های باستانی و در مواردی مذهبی در آن برگزار می شد. در بررسی تأثیر عوامل فرهنگی، یک چالش اصلی در این سؤال وجود دارد که آیا موقعیت و جایگاه تخت جمشید بیشتر تحت تأثیر عامل سیاسی بوده یا آیین های باستانی و مذهبی بیشتر در آن نقش داشته اند؟ و اینکه این کارکردها چگونه در معماری تخت جمشید منعکس شده است؟

برخی معتقد هستند که تخت جمشید را باید به عنوان پایتخت سیاسی و مرکز اداری دولت هخامنشی قلمداد کرد، اما عده زیادی نیز عقیده دارند که نمی توان نقش اصلی آن را سیاسی و اداری دانست. این اختلاف نظرها در میان مورخان و صاحب نظران هنوز به پاسخ قانع کننده ای منجر نشده و این مسئله شکافی در میان عقاید نویسندگان ایجاد کرده است. بسیاری از ایران شناسان بر این باور هستند که داریوش اول برای برگزاری آیین های فرهنگی، اقدام به ایجاد چنین بناهای مهم سلطنتی در تخت جمشید کرد و تصمیم به احداث مجموعه باشکوهی مشتمل بر کاخ های تشریفاتی متعدد در منطقه پارسه کرد تا هم پایتخت بهاری ایران باشد و هم برای برپایی جشن های نوروزی مورد استفاده قرار گیرد. اعتقاد برخی مورخین معاصر این بود که کاخ تخت جمشید با وجود نداشتن پرستشگاه و آتشکده، کاربری آن مذهبی بوده است. در زمینه نقش مذهب در دربار تخت جمشید، عده ای معتقد هستند که هخامنشیان مزدایی بودند؛ برخی هم هخامنشیان را پیرو دین نزدیک به زرتشت و دین آنان را شکل ویژه ای از مزداپرستی می دانند. همچنین برخی بر این باور هستند که دین پارس ها، دین قدیم ایرانیان پیش از زرتشت بود و با دشت ها و ریگ زده مطابقت دارد. گروهی هم آن را پایتخت فرهنگی هخامنشیان دانسته اند.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. رزمجو (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «معماری سنگ میانی در کاخ مرکزی تخت جمشید» یکی از کاربری های محوری تخت جمشید را کاربری تقویمی و نجومی دانسته است. علیزاده گرجی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان «بررسی نقش مذهب و آیین های رایج دوره هخامنشی بر معماری تخت جمشید» محوری ترین کاربرد تخت جمشید را برگزاری آیین های مذهبی دانسته است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده های منابع کتابخانه ای به رشته تحریر در آمده است.

۱. نقش و جایگاه تخت جمشید

داریوش اول بنای قصر پرشکوه و ارگ شاهانه عظیم خود، تخت جمشید را باید در مکانی مناسب قرار می‌داد؛ چراکه این قصر می‌بایست نمودار قدرت آریایی و نماد خاندان سلطنتی باشد که در قلب وطن اصلی هخامنشیان قرار می‌گرفت. همه با دیدن این قصر شاهانه باید به عظمت و قدرت روح آریایی که بر جهانی فرمانروایی می‌کند، پی ببرند. روح دوربین و دوراندیش در شکل و هیئت بنای ساختمان، وجود ملت، قدرت و عظمت آن را می‌دید که چگونه با قوای خلاقانه دنیای شایسته‌ای را در اطراف خود به وجود می‌آورد. تخت جمشید را در قلب وطن پارسی خود بنیاد نهاد تا این کاخ نماینده وجود و عظمت این ملت باشد (بانگ، ۱۳۸۵: ۹۰).

تخت جمشید که ثروتمندترین شهر در زیر آفتاب بود، توسط داریوش اول به پایتختی انتخاب شد، اما سرنوشت تخت جمشید به شکل دیگری رقم خورد؛ زیرا «پرسپولیس همان مقدار که پیش از این در رونق و شکوفایی، سرآمد دیگر شهرها بود، به همان میزان در تیره‌بختی از آن‌ها پیشی گرفت» (سیسیلی، ۱۳۸۴: ۷۲۴). این شهر را نه از آثار برجای مانده، بلکه از اسناد باقی مانده آن می‌شناسیم که می‌توانسته است کارگران موردنیاز برای ساخت کاخ‌ها را فراهم کند (کوخ، ۱۳۷۶: ۵۶؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳: ۷۳۲). اما برخی نظریه‌ها که نگاه منطقی‌تری دارند بر این باور هستند که بناهای روی صفه تخت جمشید کارکرد اداری و دیوانی داشته‌اند. کاوش‌های هیئت ایرانی به آشکارشدن مجموعه وسیعی در برزن جنوبی تخت جمشید منجر شده و همگی شاهد بر این مدعا است که پارسه مهم‌ترین پایتخت هخامنشیان بود. از دیگر دلایل بر تأیید این موضوع می‌توان به جاده شاهی اشاره کرد که راه اداری شاهنشاهی هخامنشی بود و از شوش آغاز نمی‌شده، بلکه ابتدای آن در حدود تخت جمشید بود (کیانی، ۱۳۹۴: ۱۹۰). سرزمین پارسه شهر در زیر خورشید متمول جلوه می‌کرد و خانه‌های خصوصی در طول سال‌ها با هر نوع مال و ثروتی تجهیز شده بودند (کریس، ۱۳۹۱: ۲۴).

جایگاه پارسه به‌عنوان پایتخت امپراتوری شرق آن‌چنان برای غرب (یونانیان) مهم بود که اسکندر مقدونی با وجود از میان بردن حریف خود در نبردها، اما شتابان به سوی تخت جمشید پیش می‌رفت (واژی، ۱۳۹۳: ۸۹). تخت جمشید را می‌توان نوعی از قلعه‌های حکومتی و سکونتگاهی دانست که طراحی و ساخت آن افزون بر اصول و عوامل معمولی از برخی مفاهیم دینی و آرمانی آن زمان نیز تأثیر پذیرفته است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۹۷). برخی نیز گفته‌اند: داریوش از آن جهت تخت جمشید را ساخت تا پاسارگاد پایتخت کوروش دیگر به‌عنوان مرکز شناخته نشود، البته این سخن موردقبول واقع نشده؛ چراکه امور ساختمانی و تعمیراتی پاسارگاد در تمام دوره هخامنشی ادامه داشته است (قدیانی، ۱۳۹۳: ۲۵۹). طرح‌های ساختمانی پایتخت داریوش اول در پرسپولیس، نمونه‌ای بود که دیگر هخامنشیان از آن تبعیت می‌کردند و تحسین برانگیزترین ساختمان پرسپولیس، تالار بزرگ آپادانا است (برکن، ۱۳۹۱: ۱۳۳). از آنجایی که شهرها مظهر یگانگی، تجمع قدرت و عظمت امپراتوری بود، به همین دلیل بیشتر محل سکونت قشرهای خاص یا طبقه ممتاز جامعه از جمله شاهان، شاهزادگان و موبدان محسوب می‌شود (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۷۷؛ نامی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

شیروانی درباره معماری تخت جمشید آورده است: در نهایت، کشور ایران شهری که بر وفق قاعده مهندسان، به طریق شاهی و به شأن پادشاهی ساخته باشد مشاهده نکردم، بلکه امارتی که به قانون حکمت و لایق سلطنت باشد به نظر نیاردم (شیروانی، ۱۳۸۹: ۹۴-۸۵). بنابه گفته لامپ، پارسه بعد از بین رفتن قدرت «آسور» (آشور) فقط یک پایتخت از طرف خود سلاطین ایران بنا شد و آن را به نام «ایران شهر» می خواندند و علاوه بر اینکه مرکز امپراتوری ایران بود، مرکز روحانی هم محسوب می شد (لامپ، ۱۳۹۷: ۵۹).

حلقه ارتباطی سنت‌های میان‌رودانی و فرهنگ در حال رشد پارسی ایلام بوده و تزئینات کلک شکل در دوره هخامنشی، به همان شکل روی نقوش تخت جمشید و نمونه‌های بازمانده آن نیز هویدا مانده است (هندل من، ۱۳۹۸: ۴۳). تخت جمشید شاید به دلایل تاریخی و ایدئولوژیکی ایجاد شد؛ چراکه داریوش و جانشینان او دستور می دادند که لغت، تصویر و نظر آن‌ها و نقش پادشاه به عنوان فرمانروای مورد لطف ایزدان و عقیده آن‌ها به عنوان فرمانروای آرمانی نشان داده شود، زبردستان آن را جاودانه سازند، این در اطاعت پیشکش‌آوردگان و حمل‌کنندگان تخت، نمادین شده است (ویر هومر، ۱۳۹۷: ۱۰۶). روایت تخت جمشید در کتیبه‌ها که در متن کتیبه Dpe بخشی از مجموعه کتیبه‌های یافت شده از آن‌رو چشم‌گیر است که در بردارنده متن‌های گوناگون به هر یک از سه زبان (ppd-e به پارسی باستان، Dpf به ایلامی و Dpg به اکیدی) بوده که می‌توان گفت آن‌ها سه روایت از متنی واحد هستند. مکان قراردادن و کشف کتیبه‌ها و نیز سرشت متن آن‌ها به تاریخی نسبتاً آغازین در تدوین آن‌ها، یعنی در اوایل دوره پادشاهی داریوش اول اشاره می‌کند (واگن، ۱۳۹۷: ۹۵). برخی پژوهشگران، پارسه را عظیم و کم‌نظیر دانسته‌اند «پرسپولیس، پس از شوش، زیباترین و بزرگ‌ترین شهر بناشده بود و کاخی داشت که از هر حیث چشمگیر و آن به‌ویژه به علت ارزش هنگفت خزاینش که در آنجا نهفته بود اهمیت داشت» (استر ابو، ۱۳۹۶: ۳۱۹).

تخت جمشید علاوه بر جایگاه مهم فرهنگی که داشت از نظر ثروت نیز بی‌نظیر بود؛ به طوری که اسکندر در تخت جمشید انبوهی از گنجینه و ابزارهای نقل‌کردنی که بیش از یازده هزار جفت استر و پنج هزار شتر بود به یغما برد (پلوتار، ۱۳۹۰: ۳۹۷). آریان^۱ به وجود ثروت‌های افسانه‌ای و انبوه اشیای گران‌بها و ارزشمند در شوش، مقارن با تازش اسکندر مقدونی اشاره کرد (آریان ۱۳۸۸: ۱۳۲). تخت جمشید توانگرترین شهر در جهان بود، حتی خانه‌های خصوصی از همه‌گونه وسیله‌های گران‌بها در سال‌های طولانی به وجود آمدن این شهر، پرشده بود (او مستد، ۱۳۸۸: ۷۲۲).

ثروت و مکنت پایتخت در بالابردن جایگاه آیین‌ها و پیشرفت اقتصادی در قلب امپراتوری در دوره شاهان پیشین از جمله طرح‌های ساخت‌وساز سلطنتی در تمکن در دوره کوروش و در متدن در دوره پسرش کمبوجیه را باید به عنوان بخشی از سیاست‌های ایجاد مراکز اقتصادی-اداری و سوق‌الجیشی و ایجاد شبکه نظارت دولتی در مقیاس بزرگ دانست (هندل من، ۱۳۹۸: ۱۶۸). باتوجه به مقیاس محدود حفاری‌ها در پایتخت‌های سلطنتی و مراکز ساترانی و یافته‌های اندک الواح بایگانی و منابع آرشیوی در دوران هخامنشی، بهتر است که به‌دوراز پیش‌داوری‌ها با موضوع تغییر

^۱ - Arrian

و تحولات دیوان سالاری برخورد کنیم؛ چراکه کانون اداری پارس در پایتخت سلطنتی پارسه (تخت جمشید) قرار داشت (برو سینوس، ۱۳۹۶: ۷۴). وجود تعداد به نسبت زیاد الواح، نشانگر تلاش‌های داریوش اول برای برقراری سازمان اداری منسجم و منظم در کشور و ایجاد ثبات و امنیت در شاهنشاهی بزرگ هخامنشیان است که پس از وی نیز در کشور ادامه یافت (نوبین بی، ۱۳۷۹: ۶۱۶). پادشاهان یا حاکمان ایالت‌ها یا شهرهای بزرگ در ایران براساس شیوه‌های کهن فضاهای سکونت‌گاهی، حکومتی و تشریفاتی خود را در بیشتر موارد درون محوطه‌ای محصور و دارای استحکامات دفاعی می‌ساختند تا در برابر تهدیدها و مخاطرات خارجی و داخلی در امان باشند (سلطانزاده، ۱۳۹۰: ۱۴). در سازمان‌های برده‌داری، ویژگی وجود داشت که به‌دست کاهنان پرستشگاه‌ها و اجماع‌ها در برخی موارد وضعی نسبتاً مرجع داشتند. در روزگار پیدایش هخامنشی - روزگار جدایی اقتصادی و فرهنگی - استان‌های جداگانه‌ای داشته که این سازمان برده‌داری قرن‌ها پیش پدید آمده بود (لوگو تین، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

۲. کاربری تخت جمشید در دوره هخامنشی و بازتاب آن در معماری این بنا

کاربری تخت جمشید از بحث‌برانگیزترین مسائل باستان‌شناسی دوره هخامنشی است، تخت جمشید به‌عنوان دژ یا قلعه، مجموعه حکومتی - سکونت‌گاهی بود که از نظر انجام مراسم آیینی به‌ویژه آیین نوروز بسیار اهمیت داشت. این نکته باعث شده که برخی از پژوهشگران اظهار کنند که تخت جمشید یک فضای حکومتی و سکونت‌گاهی نبوده، بلکه مجموعه‌ای آیینی محسوب می‌شده است. «به‌طور کلی تخت جمشید سکونت‌گاه تشریفاتی پادشاهان هخامنشی هم به‌شمار می‌آمد، زیرا تخت در اینجا به معنی پایتخت و سکوی بزرگ کاخ‌های ارگ شهر پارسه است و جمشید نمونه شهریاری و برپاکننده نوروز و مشهورترین فرمانروای ایران قدیم بود» (شاپور شهبازی، ۱۳۹۲: ۷). تخت جمشید (پارسه) نماد ایران و درعین‌حال منعکس‌کننده مفاهیم شاهنشاهی هخامنشیان بود و نقش مرکز اداری را ایفا می‌کرد و برای شاه ویتربینی برای نمایش قدرت و ثروت به‌شمار می‌رفت؛ بر روی نقوش برجسته، دسته‌های اقوام پیشکش‌دهنده و تجمع شخصیت‌های بزرگ ترسیم شده‌اند (ویس هومر، ۱۳۹۷: ۱۱۰-۹۱).



تصویر ۱. سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید با موضوع دیدار سفرای ملل دیگر.

گفته شده که عظمت پرسپولیس کم تر از عظمت معبد باشکوه الهه دیانا نبود که آن را از طلای ناب پوشانده بودند (هربرت، ۱۴۰۰: ۵۰-۵۱). برخی مدعی بودند که تخت جمشید فقط کاربردی آیینی داشته و مهم ترین آن ها برگزاری جشن نوروز بود؛ اما آرتور پاپ در نظریه خود اعلام کرد که نقوش تزئینی حاشیه پلکان های مختلف تخت جمشید نماد طبیعت، کنگره دیوارها نماد کوهستان و ستون ها نماد جنگل مقدس هستند. داریوش می خواست که در منطقه پارسه یک شهری بسازد و در آن شهر کاخی برای خود بنا کند که در جهان بی نظیر باشد که در آن نماد شکوه و عظمت شاهنشاهی خود را در انظار جهانیان پدیدار نماید (موله و همکاران، ۱۳۸۰: ۱/۶۴۲). تخت جمشید محل برگزاری مراسمی از جمله جشن مهرگان بوده است. برای برگزاری مراسم نوروز و سایر مناسبت ها، سنتی بسیار کهن بود که تا دوره قاجار وجود داشت، به همین دلیل می توان نتیجه گرفت که قلعه ها یا دژهای بزرگ و مهم در بهترین حالت دو فضای باز میدان گونه، یکی برای برگزاری مراسم گسترده و بزرگ و دیگری برای انجام مراسم محدود و کوچک، داشتند (سلطانزاده، ۱۳۹۰: ۳۰۰). برخی پژوهشگران در محتوای سخن داریوش اول در وضعیت کاخ درباره طلوع خورشید در اعتدال بهاری، معنایی دینی جست و جو کرده اند (به ویس، ۱۳۸۶: ۸۳).

از نظر برخی پژوهشگران تخت جمشید را نمی توان تنها مجموعه ای دینی یا آیینی دانست، بلکه باید آن را یک دژ یا ارگ حکومتی - سکونت گاهی دانست که از نظر نمادگرایی و مفهوم پردازی برای انجام سران آیینی و تشریفاتی نوروز طراحی شده بود. رابطه بین بخش های گوناگون صُفه نمایانگر مجموعه ای حکومتی و آیینی است (سلطانزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۳). تخت جمشید آن نقش مرکز اداری را ایفا می کرد و برای پادشاه عنوان و پترینی برای قدرت به شمار می رفت که با مواد اولیه و نیروهای کار که از تمام نقاط شاهنشاهی آورده، احداث شده بود (ویزه هومر، ۱۳۹۷: ۱۰۶). تصویر شماره ۲ سربازان شاهی را ترسیم کرده است که گویای وجود نیروهای اداری و نظامی در تخت جمشید است.



تصویر ۲. سربازان هخامنشی در نقوش برجسته پلکان شرقی تالار آپادانای تخت جمشید

کشف الواح گلی در تخت جمشید نشان داد که افزون بر انجام مراسم رسمی پادشاهی و جشن ها، نقش مدیریتی و اداری داشته است، به دلیل اینکه پارسه خاستگاه پارسیان و از اهمیت بیشتری برخوردار بود (نوبین بی، ۱۳۷۹: ۶۱۲). نگاره های مسطح بی شمار تخت جمشید می کوشند تا حال و هوای جشن نوروز را منعکس کنند، اما باید اعتراف کرد که این حال

و هوا به زحمت بتواند در برابر ابهتی که میهمانان شاه را در جشن نوروز فرامی‌گرفت، تاب آورد و آن را کامل نشان دهد (حین توس، ۱۳۸۷: ۲۱۹). اظهار نظر دربارهٔ کاربری تخت جمشید چهرهٔ واقع‌گرایانه‌تری نیز داشته که کم‌تر به آن توجه شده است که از جملهٔ آن می‌توان به نظریه‌ای که کاربرد فقط آیینی تخت جمشید را بسیار محدود می‌داند، اشاره کرد و این نظریه معتقد است که این محل یک محوطهٔ مسکونی نیز بوده است. در واقع، هدف اصلی از بنای ساختمان تخت جمشید آن بود که مرکز معنوی و سیاسی کشور و کاخی عظیم و باشکوه برای مراسم نوروز باشد (بیات، ۱۳۶۵: ۹۳).

اشتباهی که مورخین معاصر کرده‌اند این بود که تصور می‌کردند، کاخ پرسپولیس پرستشگاه بود و برای یک منظور مذهبی ساخته شد، اما می‌توان گفت که آن کاخ پرستشگاه نبوده، بلکه هدف اصلی آن بوده که یک موزهٔ بین‌المللی از صنایع و هنرهای ملل امپراتوری ایران و اقوام دیگر به وجود بیاید تا شکوه دولت و ارتش را به نظر ملل ایران و اقوام آن زمان برساند (موله و همکاران، ۱۳۸۰: ۶۸۹/۲). داریوش در سنگ‌نوشتهٔ بیستون اشاره می‌کند که این ارتش ثابت، پارسی و مادی نامیده می‌شود، به همین دلیل نگارهٔ پاسداران تخت جمشید که جامهٔ مادی به تن دارند تأییدی بر حضور مادها در یگان‌های پاسدار است، بنابراین اقوام مختلفی در تخت جمشید حضور داشتند (هد، ۱۳۹۴: ۲۲). تصویر شماره ۳ نمایی از شکوه این بنا را در معماری آشکار می‌سازد.



تصویر ۳. معماری تخت جمشید. استان فارس

بنای تخت جمشید شامل تمام مظاهر شکوه و عظمت پادشاهی و شاهکارهای معماری و هنری است و مجاری در آن بیش از سایر قسمت‌های تخت جمشید به‌کاررفته است (سامی، ۱۳۸۹: ۱۳۲). از شواهد چنین برمی‌آید که نماد و

سرمشق هخامنشیان در امور دیوانی و اداری بابل بود؛ چراکه تأثیر بسیاری در تشکیلات تمام بخش‌های حکومت هخامنشی داشته است (جوادی، ۱۳۸۰: ۴۰-۱۳۹؛ احمدی‌پور، ولی قلی‌زاده ۱۳۹۰: ۱۲۳). اگرچه گفته می‌شود که پرسپولیس مکانی برای برگزاری آیین تشریفاتی و بیشتر برای برگزاری جشن نوروز در اول بهار مورد استفاده قرار می‌گرفته است، اما این تئوری مجاب‌کننده نیست، جای سؤال است که اگر این‌گونه بود چرا در بسیاری از به اصطلاح «لوحه‌های مستحکم» که به زبان ایلامی هستند، بیشتر دربارهٔ فراهم آوردن تدارکات سخن گفته‌شده که این موضوع نشان از یک ساختار اداری پیچیده داشته است (کریس، ۱۳۹۱: ۷۶). اما پاپ معتقد بود که تخت جمشید بیشتر جنبهٔ آیینی و تشریفاتی داشته است نه کاربری اداری، بنابراین تخت جمشید یک پرستشگاه مقدس ملی بود که به منظوری معین اختصاص یافته بود (پاپ، ۱۳۸۲: ۳۴). در جریان برقراری پیوند میان تمدن‌ها و جابه‌جایی و انتقال عناصر تمدن‌ساز، تمدن ایرانی هم از تمدن‌ها و فرهنگ‌های مجاور متأثر شده و هم بر آن‌ها تأثیر گذاشته است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۹: ۴۱).

همهٔ باستان‌شناسان در این موضوع تفاهم دارند که تخت جمشید خط فکری دارد و فرهنگی که بر هنر هخامنشیان حاکم است، کاملاً ایرانی است و از باورها، رسوم، سنن، خواسته‌ها و ایدئال‌های هخامنشیان سرچشمه می‌گیرند و بیان‌کنندهٔ آرزوها و اعتقادات آنان هست (خورشیدیان، ۱۳۹۲: ۳۱). برخی نیز به این نتیجه می‌رسند که تمامی نقوش تخت جمشید نشانهٔ شوکت و عظمت است و هیچ‌یک به مسائل مذهبی و آیینی یا روزمره و مراسم ویژه‌ای اشاره ندارند، بلکه نشان‌دهندهٔ قدرت شاهانه هستند که بر زمان و مکان جاری است (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۹۰). اینکه گفته می‌شود، تخت جمشید یک مکان فقط برای برگزاری مراسم‌های مذهبی، تشریفاتی و نوروزی بوده است، درست نیست و باتوجه‌به شواهد معماری و باستان‌شناسی به نظر می‌رسد که این مکان تاریخی، اقامتگاهی بوده با همهٔ کاربردهای آن، یعنی هم یک محل خصوصی، سیاسی و اقتصادی و هم یک محل محفوظ برای اقامتگاه شاه و خانواده و حواشی او با همه نوع امکانات برای نمایش شکوه سلطنت، همچنین شاید یک مجتمع برای خزانهٔ شاهی بود (کیانی، ۱۳۷۴: ۶).

وجود سنگ‌نگاره‌ها و پیشکش‌آوردندگان تخت جمشید بیش از همه نظر اندیشمندان تاریخ کهن ایران را به مراسم آیینی نوروز معطوف داشته است، «برخی بر این باور هستند که نقوش و تصاویر شاهان، همه نشانگر مفاهیمی کلی و بدون زمان و نیز نشانگر عظمت و شکوه شاهنشاهی و وابستگی ملل مختلف به این شاهنشاهی بزرگ و حمایت آن‌ها از پادشاهی پارسیان است» (نوبین‌بی، ۱۳۷۹: ۶۱۱). در نتیجه، این نکته که صُفه شهر پارسه (تخت جمشید) برای مراسمی خاص و تشریفاتی مورد استفاده قرار می‌گرفت، قابل قبول است، اما اثبات جنبهٔ شهر پارسه و صُفه آن نیاز به دلایل بیشتری دارد (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۸). شیوهٔ زندگی اجتماعی ایرانیان براساس دیانت قدیمی آن‌ها و آداب و رسوم باستانی به شکلی بود که کم‌تر اختلافی بین مردم به وجود می‌آمد (لامپ، ۱۳۹۷: ۵۹).

بیشتر دانشمندان عقیده دارند، شهر بزرگ پارسه قرارگاه تابستان شاهان به‌شمار می‌رفت و اکثراً جشن نوروز در تخت جمشید با شهامت و شکوه خاص برگزار می‌شد (رحمان، ۱۳۹۸: ۲۰۸). به دلیل اینکه ایران یکی از چهار قدرت

تمدن‌ساز فعال در اواخر عهد کهن و اوایل دوران میانه بود؛ یعنی تمدن یونانی- رومی (بیزانسی)، تمدن ایرانی، تمدن هندی و تمدن چینی و سپس ساسانیان طلایه‌داران و نمایندگان فرهنگی شدند که خود را در قالب دینی متمایز، هنری شناخت‌پذیر و شکل خاصی از سازمان اجتماعی و حکومتی به نمایش گذاشت، وجه دوگانه‌گرایی دین ایرانی بر وجود بدی و تمایل یکتاپرستی، تأکید کرده است (کمبریچ، ۱۳۹۸: ۳/ ۸۴-۸۵). تفکر کشورگشایان شرق باستان تا پیش از تأسیس دولت پارس و شاهنشاهی، چنین بوده که پس از شکست قوم و کشوری از هرگونه رفتار خلاف انسانی و اهانت به خدایان و پرستشگاه‌ها و پادشاهان فروگذار نمی‌کردند (سامی، ۱۳۸۹: ۳۵۵). به‌نظر می‌رسد که تخت جمشید پایتخت یا یکی از مراکز مهم فعال اداری، سیاسی و تشریفاتی هخامنشیان بود که در نوروز هر سال نیز یکی از مهم‌ترین مراسم‌های تشریفاتی- آیینی، یعنی جشن نوروز در آن برپا می‌شد (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۷۰-۷۱). از طرفی هیچ نوشته‌ای که کم‌ترین اشاره‌ای به یک عید رسمی به افتخار آنهایتا که استقرار او درست از دوران اردشیر دوم آغاز شد، نمی‌کند (بریان، ۱۳۸۶: ۲/ ۱۴۲۴). در شهر پارسه یک معبد آنهایتا و نیز بایگانی بزرگی وجود داشت و به‌دلیل اهمیت نمادین این شهر و باتوجه‌به ویرانه‌های تخت جمشید، بهترین اثر تاریخی محفوظ‌مانده ایران باستان است (قدیانی، ۱۳۹۳: ۱۱۵). تصویر شماره ۴، سیستم گسترده معماری تخت جمشید را نشان می‌دهد که تأییدی بر عظمت این بنا و کاربری‌های متفاوت آن است.



تصویر ۴. معماری تخت جمشید با ستون‌های متعدد

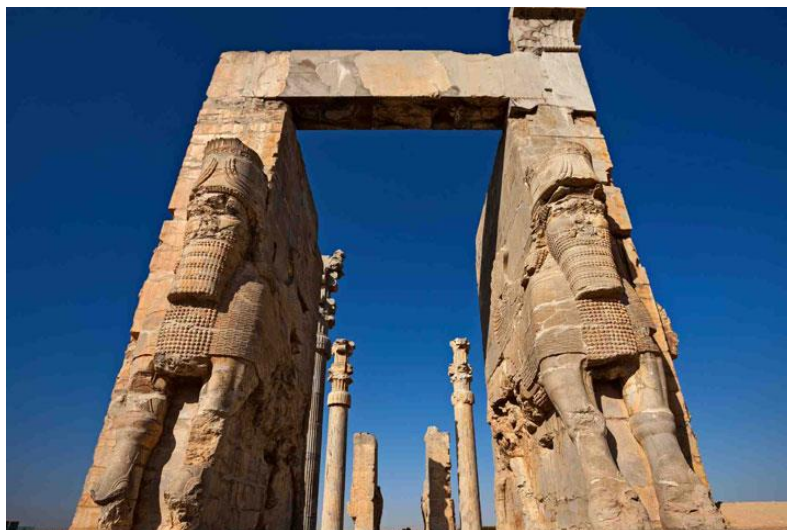
طبق همه روایات و مدارک به‌دست‌آمده، صُفه سلطنتی تخت جمشید کاربردی تشریفاتی داشته و آوردن هدایا از سوی اقوام مختلف قلمرو شاهنشاهی، می‌تواند بهترین گواه بر این کارکرد رسمی آن شهر باشد (بروسینوس، ۱۳۹۶: ۱۰۴). از نظر قوتیفوس «مجموعه پایتخت تخت جمشید، این بنای عظیم فرهنگی، دارای هنری تلفیقی از هنر یونانی (پایه‌های ستون‌ها لوتوس یا نیلوفر آبی)، سرستون‌ها گاوهای بالدار و سرستون‌ها آدم‌های ریش‌دار آشوری بوده و پله‌ها هم

برگرفته از ظ بابلی بوده است» (قوتیفوس، ۱۳۸۰: ۱۳۶). دلیل انتخاب هنرمندان از سراسر جهان در ساخت این بنا، آشناکردن قدرت‌های منطقه با عظمت این کانون بود (نامی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۵). نقش حاملان تخت در نگاره‌های تخت جمشید در طول دوره امپراتوری هخامنشیان نیز کماکان گسترش یافت؛ به طوری که برای نمایش دادن ملل تابع امپراتوری که در حال حمل تخت شاهنشاهی هستند به کار می‌رفت. «در نقوش برجسته رستم که متعلق به آرامگاه شاهان هخامنشی هست، همیشه در حالت ایستاده است که بر روی یک سکوی مخصوص پله‌دار کوچک و بر روی صفحه مسطح دیگر قرار دارد که توسط نمایندگانی از ملل تابع حمل می‌شده است» (ایمان‌پور، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۵). تصویر شماره ۵ که یکی از دروازه‌های بزرگ تخت جمشید، دروازه ملل است می‌تواند نشان از اهمیت این بنا در ساختاری اداری و سیاسی این بنا باشد.



تصویر ۵. دروازه ملل، تخت جمشید. استان فارس

در تخت جمشید برخلاف کاخ‌هایی که در جهان ساخته شده، بیشتر حکاکی‌های برجسته توأم با فکر و اندیشه انسانی هست و هدف بنیان‌گذاران آن گردآوری هنرهای جهان و ثابت باقی گذاشتن باورها و ایدئولوژی خود در قالب هنر بوده است (خورشیدیان، ۱۳۹۲: ۱۴۵).



تصویر ۶. یکی از دروازه‌های تخت جمشید. استان فارس

هر مجموعه در درون فضاهای کالبدی در این شهرها، به‌گونه‌ای در ظاهر پراکنده‌شده و هر مجموعه در درون فضایی سبز که آن را از سایر فضاها جدا می‌کرد، احداث می‌شد (کلیکان و همکاران، ۱۳۵۰: ۸۳). در واقع، پارسه دارای یک مرکز تشریفاتی بود و یک نقطه کانونی برای نمایش قدرت پادشاه از ایدئولوژی سلطنتی، دامنه و عظمت قدرت پاریسی بود، این نماد میراث دولت هخامنشی است (وات رز، ۱۳۹۹: ۲۲۷). «در دوره هخامنشیان افزون بر شهرهای بابل، شوش، همدان، دو شهر پاسارگاد و تخت جمشید از مراکز بسیار مهم اداری و حکومتی بودند که از جنبه آیینی، مذهبی و تشریفاتی نیز اهمیت خاصی داشتند» (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲).

۳. جایگاه آیین مذهبی در تخت جمشید

کاوش‌های انجام‌شده دهه اخیر در تخت جمشید نظر پاپ را تأیید کرده، مبنی بر اینکه صفا تخت جمشید دارای جنبه‌ای مقدس و روحانی بوده است و تنها در هنگام مراسمی خاص مورد استفاده قرار می‌گرفت (تجویدی، ۱۳۵۴: ۳). فرضیه‌های گوناگونی درباره تخت جمشید این بوده که آن را برای اهداف نجومی دیده بودند، یا اینکه تنها جایگاه اجرای آیین‌های دینی بود (فرای، ۱۳۸۸: ۲۰۳). وجود یک پرستشگاه آناهیتا در نزدیکی تخت جمشید، بازمانده از روزگار اردشیر دوم هخامنشی تا زمان اردشیر ساسانی، نشان‌دهنده آن است که این الهه به‌ویژه مورد احترام فارسیان بوده و ایشان آناهیتا، اهورامزدا و میترا را ستایش می‌کردند. دستگاه روحانی فارس، آیین‌ها و رسم‌های گوناگون را می‌پذیرفت و زمینه‌ای برای دولت متکی بر کیش جدید زرتشت و دستگاه پرستش آن به‌وجود می‌آورد (فرای، ۱۳۹۲: ۳۳۱).

از نظر پییر بریان، «پرسپولیس یک شهر آیینی بوده که به‌طور اختصاصی وظیفه بزرگداشت سیاسی قدرت شاه بزرگ را برعهده داشته است» (بریان، ۱۳۸۶: ۴۱۵/۱). گفته می‌شود، تخت فقط کرسی سلطنت یا پایتخت نبوده، بلکه مکان و مقام مقدسی بوده است که عظمت درگاه الهی و مرکزیت قدرت پادشاهی در آنجا جمع می‌شد و فرایزیدی و افسر شاهی بر تارک پادشاهی قرار می‌گرفته و به همین دلیل چنین مکان و مقامی به‌ناچار عبادتگاه همگان بوده است.

تحقیقاتی که تاکنون انجام شده، این گونه نشان می‌دهد که تخت جمشید نقش پایتخت دینی شاهان هخامنشی بود (قائم‌مقامی، ۱۳۴۶: ۹-۱۲). به نظر می‌آید هنگامی که دین زرتشتی، دین غالب امپراتوری شد، مغان با وارد کردن نام قوم خود در فرهنگ اصطلاحات، روحانیت دین زرتشتی را از زمان هخامنشیان به بعد و انجام وظایف مذهبی آن را به عهده گرفتند (خسرویانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۲).

بر این اساس، در تخت جمشید و در معبد به اصطلاح فرا قداره، دو نقش برجسته قرینه روبه‌روی هم قرار گرفته که به موضوع مذهبی ارتباط پیدا می‌کند. در متن تندیس‌ها و اتاق آتش، احتمالاً اسامی الهی قرائت شده از سوی هرترز فیلد در یک کتیبه، زئوس میگ توس، آپولون هلیوم و آرتیمیس آتن می‌تواند ایزدان ایرانی باشد (کمبریج، ۱۳۸۷: ۸۰/۳). به نقل از ویس هومر آمده «اگر از تخت جمشید در دوره سپاه هخامنشی سخن گفته شود، البته در درجه اول به اصطلاح پرستشگاه فرتر که در شمال غربی صُفه تخت جمشید موردنظر خواهد بود» (ویس هومر، ۱۳۸۸: ۴۵). در تخت جمشید همیشه صُفه بزرگ مقدسی بوده است که در آن نمود ذات الهی به شکل و در هیبت برازنده پادشاهی ظاهر می‌شد (قائم‌مقامی، ۱۳۴۶: ۹-۱۲).

می‌توان گفت قصرهای سلطنتی پادشاهان قدیم ایران به اعتباری پرستشگاه هم باشد، چه آن زمان که باتوجه به متون تاریخی، برخی پادشاهان دعوی خدائی می‌کردند، چه آن موقع که اهالی فارسیان آتش را معظم می‌شمردند و سلاطین را نیز واسطه خدا و به این دلیل پرستش می‌کردند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۱۰۹/۱). مذهب از زمان اردشیر دوم هخامنشی با ناهید، مزدا و اهورامزدا در کنار یکدیگر قرار می‌گرفت. این دوره پرستش پیکرهای ناهید در معابد تخت جمشید، شوش، بابل، همدان و ... به اتحادیه اقوام شاهنشاهی تحت یک دین مشترک یاری کرده است. به این ترتیب در دوره هخامنشی باوجود یک مذهب رسمی، یک یا چند خدای اصلی که براساس عقاید باستانی ایران پایه‌گذاری شده بود و به وسیله روحانیون و مغها حمایت می‌شد، وجود داشت (شاه‌حسینی، ۲۵۳۶: ۶۰). درباره دین و اعتقادات هخامنشی باتوجه به تصاویر تخت جمشید و دیگر شهرها و بازیافت‌های باستان‌شناسی که موثق است، می‌توان دید که در تصویرها شاهان هخامنشی مقابل آتشگاه مقدس زردشتی حضور دارند (رحمان، ۱۳۹۸: ۱۹۱). همان گونه که گفته شد از آیین‌های رایج مذهبی دوران هخامنشی، آیین آناهیتا بود که پرستش مجسمه‌های او در دوران اردشیر دوم در معابد شوش، پرسپولیس، همدان، بابل، سارد و بلخ انجام می‌شد که خود باعث اتحاد بین‌المللی در بین قلمرو توابع شاهنشاهی بود. هخامنشیان علاوه بر پیشگام‌بودن در ترویج موارد معنوی و مذهبی، پیشگامان انتقال تمدن بین شرق و غرب به‌شمار می‌روند، آن‌ها این دو جهان و دو تمدن را به یکدیگر نزدیک کرده بودند (گیرش من، هرترز فیلد، ۱۳۸۶: ۴-۳).

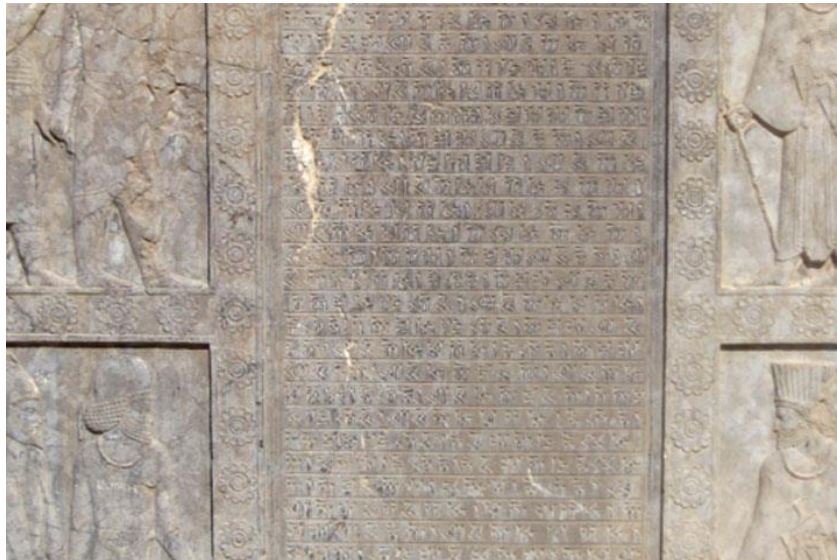
در مورد بنیاد ارگ تخت جمشید توسط داریوش اول و نقش مذهبی آن در نوشته ایلامی آمده است: «بر بالای اینجا، این دژ (ساختمان) ساخته آمد، پیش از آن در اینجا دژی ساخته شده بود به خواست اهورامزدا، آن را برآوردم و آن را ایمن و زیبا و کافی ساختم». در سنگ‌نگاشته دیگر خشایارشا به سه زبان پارسی باستان، ایلامی و بابلی پس از ستایش

خدا و شناساندن خود می‌گوید: «در این بارگاه همه ملل را من به پیرومندی اهورامزدا برآوردم» (شاپور شهبازی، ۱۳۹۰: ۲۵۱). شاید در هیچ‌یک از مظاهر زندگی به حدی که این قوم (پارس) درزمینهٔ مذهب و آداب دینی از خود نبوغ نشان داده، در دیگر موارد این نبوغ خودنمایی نکرده است (احتشام، ۲۵۳۵: ۲۲۴). در باب دین هخامنشیان می‌توان سه عامل را قابل بررسی دانست، نخست اعتقاد کلی ایرانیان و آداب موروثی از نیاکان هند و ایرانی، دوم پیام زرتشت که پیوند شده یا به مطالب پیشین درآمیخته باشد و سوم دین‌های کهن شرق نزدیک با پرستشگاه‌ها که کاهنان و آداب وابسته به آن باگذشت زمان اندک‌اندک در امپراتوری پارس اهمیت بیشتری یافت و در زمان اردشیر دوم تندیس‌هایی از آفرودیته (آناهیتا) در بابل، شوش و هگمتانه (اکباتان) برافراشت (فرای، ۱۳۸۸: ۱۹۷).

بر مبنای اعتقاد عده‌ای، دلایلی که بر پایهٔ آن‌ها نمی‌توان شهر پارسه و صُفه مقدس آن را شهر و مرکزی مذهبی به‌شمار آورد، آن است که شاهان هخامنشی نسبت به عقاید و مذاهب گوناگون کم‌تر تعصب و شدت به خرج می‌دادند، دوم اینکه بر پایهٔ آثار و کتیبه‌های موجود آن‌ها به خدایان ثلاثه‌ای (اهورامزدا، مهر و ناهید) اعتقاد داشتند، سوم اینکه بر پایهٔ گزارش هرودت و شواهد تاریخی- باستانی، پارس‌ها عادت نداشتند که مراسم عبادی و آیینی خود را در معبد برگزار کنند، بلکه مراسم آیینی را در فضای باز انجام می‌دادند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۵۱). براساس اعتقاد پاپ: «وی تأکید کرد که تخت جمشید هیچ‌گاه مرکز سیاسی شاهنشاهی نبود؛ چراکه برای این منظور از موقعیت‌های مناسبی مانند اکباتان و شوش برخوردار نبوده و تنها یک مرکز مذهبی به‌شمار می‌رفته است» (Pope, ۱۹۷۶: ۱۸)، اسناد باستانی در تخت جمشید نشان می‌دهد باوجود اینکه اهورامزدا بالاترین جایگاه را در میان نهانگاه خدایان ایران داشت «در متن‌های اسناد تخت جمشید از خدایان ایران کم‌تر از خدایان ایلام یاد شده است» (گومی‌لف و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۲). گفته می‌شود در دورهٔ هخامنشی سه معبد ساخته شد، یکی در پاسارگاد که به دستور کوروش بنا شده بود، دیگری در نقش‌رستم جبههٔ مقبرهٔ داریوش که شاید به دستور او بنا شده باشد و سومی در شوش که ظاهراً متعلق به زمان اردشیر دوم است، هر یک از این معابد به شکل برجی مکعب و دارای یک اتاق است که در آن مغ‌ها آتش مقدس را نگهداری می‌کردند. شاهان هخامنشی در امور دینی به دیدهٔ اغماض می‌نگریستند (شاه‌حسینی، ۲۵۳۶: ۶۱). از جمله دلایلی که پارسه و صُفه مقدس (تخت جمشید) به‌عنوان شهر و مرکزی مذهبی رد می‌شود، این است که شاهان هخامنشی نسبت به عقاید و مذاهب مختلف تعصب خاصی نداشته‌اند و دیگر بر پایهٔ آثار و کتیبه‌های موجود، شاهان این سلسله به خدایانی نظیر اهورامزدا، مهر و ناهید اعتقاد داشتند (هرودت، ۱۳۳۶: ۲۱۵).

فرآیند اختلاط و فرهنگ‌پذیری میان ایلامیان و پارس‌ها در بررسی این متون، الواح تخت جمشید نشان داده که برخلاف حضور همیشگی اهورامزدا در کتیبه‌ها، تنها در ده متن از الواح تخت جمشید از این خدای ایرانی ذکر شده است. «استدلال هندل من این است که خدایانی که پیشینهٔ ایلامی داشتند را نباید به‌عنوان خدایان غیرپارسی دانست؛ از نظر وی مقامات تخت جمشید از آن‌رو به این خدایان فدیه می‌دادند که آنان را خدایان پارس می‌دانستند. خدایان مورد پرستش در تخت جمشید همان خدایانی بودند که در پارس سرزمین اصلی وجود داشتند» (Henkelman, ۲۰۰۸: ۳۳۵-۳۳۶). کتیبه‌های به‌دست‌آمده از کاخ‌ها و تالارهای تخت جمشید یکی از مهم‌ترین سندهای مذهبی می‌باشند که

تاکنون در تخت جمشید کشف شده است و مکرر به لزوم ستایش خدای یگانه (اهورامزدا) بر طبق آیین بهی (ارث) و پرهیزگاری و نقوی اشاره می‌کنند (سامی، ۱۳۸۹: ۲۹۳).



تصویر ۷. کتیبه‌های موجود در کاخ تچر. تخت جمشید. استان فارس

بایگانی اسناد و الواح یافت شده در تخت جمشید، نمایانگر فعالیت‌های روزمره این پایتخت به‌عنوان کانون منطقه‌ای هست که در آن فعالیت‌های دینی و آیینی وجود داشته است (بروسینوس، ۱۳۹۶: ۱۰۴). در مورد حیات دینی پارس در اوایل دوره هلنیستی، نحوه خاک‌سپاری‌های آن عصر نشان می‌دهد که پارسیان قدیم سپاه هخامنشی کاملاً زرتشتی نبودند، این موضوع حاکی از اختلاط دینی در جنوب غربی ایران در زمان فرتراکا، درست همانند زمان هخامنشیان است (کریس و استوارت، ۱۳۹۳: ۶۰). «بسیاری عقیده دارند که در ابتدا از این مجموعه بناهای تخت جمشید به‌عنوان یک کانون مذهبی استفاده می‌کردند» (وثوقی، ۱۳۸۵: ۲۶). در اینجا این سؤال مطرح است که چرا این مکان برای بناهای شاهنشاهی انتخاب شد، به این دلیل که در واقع هدف ارتباط‌دادن جنبه مذهبی است، چرا که تخت جمشید در دامنه کوهی که به کوه رحمت مشهور است واقع شده، «کوه مهر در زمان هخامنشیان به‌منزله یک مکان محترم و مقدس در قلب دولت بزرگ و جهانی آنان بود» (شاپور شهبازی، ۱۳۹۲: ۱۰). جایگاه سلطنتی در چالشی برابر با سرشتی درهم آویخته، با پرستش‌ها و روش نیایش برای ایرانیان باستان، مفاهیم یک ایده بی‌انتهای دنیوی و نظم اخروی را دارد که به کمک ایزدان و متقابلاً وفاداری به پادشاه و فرمان‌برداری می‌اندیشیدند، این همان اندیشه‌ای است که در کتیبه سه زبانه منعکس شد که در آن‌ها بر ساختار پادشاهی یا اهمیت فرمان‌برداری برای دوام شاهنشاهی تأکید شده و به ذکر پشتیبانی خدا از پادشاه یا گسترش شاهنشاهی پرداخته است (ویزه هومر، ۱۳۹۷: ۱۰۷). «تخت جمشید از مراکز بسیار مهم اداری و حکومتی بود که از جنبه آیینی، مذهبی و تشریفاتی نیز اهمیتی خاص داشت» (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲). پرستشگاه ایزد بانوی آناهیتا در نزدیکی تخت جمشید قرار دارد که گویا در دوره هخامنشیان در روزگار اردشیر دوم ۴۰۴-۳۵۹ ق. م. پیش از میلاد ساخته شده بود و در چشم پادشاهان محلی پارس اهمیت ویژه‌ای داشت

(جلیلیان، ۱۳۹۶: ۱۲)؛ به طوری که عموم نبشته‌های میخی تخت جمشید حاوی نیایش اهورامزدا و ستایش وی از آفریدن زمین و آسمان و مردم و برگزیدن شهریار برای مردم بوده است (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۲۴). هندل من معتقد است که میان فرهنگ ایلامی و ضیافت پارسی، تشابهات دیگری مانند برگزاری مراسم قربانی در آیا پیر، همچنین شیب در فضای باز و مراتع و احتمالاً در محدوده مقدس مانند پاسارگاد، وجود دارد؛ چراکه «نیایشگاه‌های ایلامی بر فراز تپه‌ها (گوران گون) و نزدیک جریان آب یا چاه، می‌توانند به‌عنوان پیشگامان احتمالی از تشریفات دینی پارسی‌ها در کوه‌ها و در رودخانه‌ها باشند که توسط «الواح بارو» و نویسندگان یونانی گواهی شده است» (Henkelman, ۲۰۱۴: ۲۲۵-۲۷).

درواقع روش شاهنشاهان هخامنشی جلب رضایت خاطر پیروان مذاهب مختلف بود، این روش با وجود جنبه سیاسی که داشت از آنجایی که بر اصل احترام به عقاید مذهبی اتباع شاهنشاهی مبتنی است، صلح و آرامش برقرار و دوستی و محبت بین پیروان ادیان مختلف ایجاد کرد (احتشام، ۲۵۳۵: ۲۲۰). شاهنشاهی هخامنشی با آرمان‌های سیاسی و دینی انسان‌گرایان و دنیوی‌تر، بر آن بود که آنچه شاهنشاهی جریان کلی از همه انسان‌ها با رویکردی دینی را فراهم سازد و در این جریان بود که ادیان و مکاتب فلسفی زمینه‌ای پیدا کردند تا اندیشه جهانی‌سازی را در تفکرات خود بسط و گسترش بیشتری دهند (سن‌گاری، کرباسی، ۱۳۹۴: ۸۰). مهم‌ترین عامل در تشریفات و مراسم زرتشتی «آتش مقدس» است، «آتش نشانه‌ای مادی از تصور الوهیت قابل‌رؤیت وجودی است که خود منبع روشنایی و پاکی هست، این بازتاب همان عقیده‌ای است که بر مبنای آن «خورشید تابنده و روشن» چشم مزدا تصور شده که از فراز آسمان‌ها به تمامی جهانیان می‌نگرد و همه‌چیز را می‌بیند و درمی‌یابد» (باقری، ۱۳۹۳: ۳۸). گرچه بر روی صُفهِ بزرگ تخت جمشید تاکنون هیچ بنایی که به کار آیین‌های دینی بیاید پیدا نشده است، در حال با قاطعیت می‌توان گفت که در تخت جمشید هیچ آتشگاه زرتشتی وجود نداشته است (حین توس، ۱۳۸۷: ۳۶۲). از طرفی از آنجاکه در تخت جمشید هیچ پرستشگاهی یا محرابی پیدا نشده است، می‌توان گفت که در کل دربار چندان به دین توجهی نداشت (فرای، ۱۳۸۸: ۱۹۹)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پارسه بیشتر پایتخت آیینی بود تا سیاسی، اداری و نقش مذهبی آن کم‌رنگ‌تر بود.

نتیجه‌گیری

تخت جمشید بدون تردید پایتخت شاهان هخامنشی از داریوش اول تا داریوش سوم بوده است، اما در این تختگاه که در بیشتر مواقع فقط تابستان‌ها از آن استفاده می‌شد، می‌توان گفت که فقط به صورت موقت و موردی امور سیاسی و مسائل مربوط به دولت هخامنشی در آن برگزار می‌شد؛ همچنین دیدارهای سیاسی - بین‌المللی یا دیدار با عموم مردم در جشن‌ها و ایام خاص جریان داشته است و آیین‌هایی مانند جشن نوروز و مهرگان را در آنجا برگزار می‌کردند. برخی پژوهشگران از این ایده دفاع کرده‌اند که تخت جمشید مکانی کاملاً دینی و ویژه اجرای آیین‌های مذهبی بوده، اما شواهد و مدارک به دست آمده این نظر را تأیید نمی‌کند؛ چراکه تاکنون هیچ عمارت یا محوطه‌ای بر روی سکوی بزرگ

تخت جمشید پیدا نشده که بتوان به علت آن پی برد که این صُفّه کاربردی دینی داشته یا نداشته است. از سویی دیگر، از محتوای اسناد ایلامی تخت جمشید چنین برمی آید که در سراسر پادشاهی داریوش و خشایار شاه، خدایانی پرستیده می شده که در آن (پیرامون) ایرانی و ایلامی و حتی بابلی بودند. علاوه بر موقعیت جغرافیایی تخت جمشید، دو دلیل دیگر برای اثبات جنبه مذهبی تخت جمشید ارائه شده است، نخست آنکه تعداد زیادی نقوش رمزی و مذهبی در آن ایجاد شده و اثری از سندی که نشانه و دلیل مهمی حاکی از انجام فعالیت های سیاسی در آنجا باشد یافت نشده است، دوم بسیاری از بخش های داخلی فضای کالبدی مجموعه از جمله پله های داخلی، دچار فرسایشی که حاکی از کاربرد زیاد از آثار فوق باشد دیده نشده است.

به طور خلاصه با توجه به آثار موجود در این مجموعه که اقوام و ملت های مختلف را با فرهنگ های گوناگون به نمایش می گذارد، می توان نتیجه گرفت که بالاترین هدف سازندگان این بنا جمع آوری علوم و فنون آن زمان از سراسر جهان در یک محل بوده است و یک نمایشگاهی از صنایع و دستاوردهای ملت ها و اقوام تحت فرمان شاهنشاهی ایران را به وجود آورده تا عظمت دولت و ارتش را به انظار ملت های تحت فرمانروای ایران آن دوره برساند، همچنین نمایندگان تمام ملل امپراتوری در آن کاخ به پیشگاه داریوش حضور یابند و اطاعت و فرمان برداری خود را نشان دهند. به همین دلایل ذکر شده باید گفت که تخت جمشید فقط یک تختگاه سیاسی یا یک معبد نبوده، بلکه بیشتر تختگاهی آیینی قلمداد می شده که به ویژه برای برگزاری جشن های نوروز و مهرگان کاربرد داشته است. اگرچه در نتیجه بررسی های باستان شناختی و مدارک مربوط به گل نوشته های بارو و خزانه تخت جمشید، جایگاه مهم این مکان و کارکردهای اداری و اقتصادی آن را نشان می دهد و از طرفی جنبه ایدئولوژی و تشریفاتی تخت جمشید نیز کاملاً عیان است؛ بنابراین چنین نتیجه گیری می شود که تخت جمشید هم زمان پایتخت اداری و آیینی شاهنشاهی هخامنشی بوده است.

فهرست منابع و مآخذ:

کتابها

آریان. (۱۳۸۸). لشکرکشی اسکندر. ترجمه: انگلیسی او بروی دوبلین کورت، ترجمه: فارسی محسن خادم، تهران: نشر دانشگاهی.

احمدی پور، زهرا؛ علی ولی قلی زاده. (۱۳۹۰). مبانی جغرافیایی - سیاسی مکان گزینی پایتختها در ایران. تهران: ناشر پاپلی.

استر ابو. (۱۳۹۶). جغرافیای استر ابو. کتاب ۱۱، ترجمه: همایون صنعتی زاده، تهران: ناشر بنیاد محمود افشار.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۴). مرآت البلدان، جلد ۱، مترجمان به کوشش پرتو نوری علا و محمدعلی سپانلو، تهران: اسفار.

او مستد، آبرت تن آیک. (۱۳۸۸). تاریخ شاهنشاهی هخامنشی. ترجمه: محمد مقدم، چاپ پنجم، تهران: ناشر علمی فرهنگی.

باقری، مهری. (۱۳۹۳). دینهای ایران باستان. چاپ پنجم، تهران: ناشر قطره.

بختورتاش، نصرتالله. (۱۳۷۴). حکومتی که برای جهان دستور می نوشت. تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی فروهر.

برو سینوس، ماریا. (۱۳۹۶). ایرانیان باستان. ترجمه: مانی صالحی علامه، چاپ دوم، تهران: نشر ثالث.

بریان، پیتر. (۱۳۷۸). امپراتوری هخامنشی از کوروش تا اسکندر. جلد ۱، ترجمه: مهدی سمسار، چاپ سوم، تهران: ناشر زریاب.

بریان، پیتر. (۱۳۸۶). تاریخ امپراتوری هخامنشیان از کوروش تا اسکندر. جلد ۱ و ۲، ترجمه: مهدی سمسار، چاپ پنجم، تهران: ناشر زریاب.

بریان، پیتر. (۱۳۸۶). امپراتوری هخامنشیان از کوروش تا اسکندر. جلد ۱، ترجمه: مهدی سمسار، چاپ پنجم، تهران: ناشر زریاب.

به ویس، مری. (۱۳۸۶). زردشتیان باورها و آداب دینی آن. ترجمه: عسکر بهرامی، چاپ نهم، تهران: ناشر ققنوس.

پلوتارخ. (۱۳۹۰). ایرانیان به روایت پلوتارخ. ترجمه: احمد کسروی، چاپ دوم، تهران: ناشر جامی.

پلوتارخ. (۱۳۹۰). ایرانیان و یونانیان. ترجمه: احمد کسروی، چاپ دوم، تهران: ناشر جامی.

پاپ، آرتور. (۱۳۸۲). معماری در ایران. غلامحسین صدری افشار، تهران: ناشر اختران.

- تجویدی، اکبر. (۱۳۵۴). دانستنی‌های نوین درباره هنر و باستان‌شناسی عصر هخامنشی، بر بنیاد کاوش‌های پنج‌ساله تخت‌جمشید، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- نوبین بی، آرنولد. (۱۳۷۹). جغرافیای اداری هخامنشیان. همایون صنعتی زاده، تهران: بنیاد محمود افشار یزدی.
- جلیلیان، شهرام. (۱۳۹۶). تاریخ تحولات سیاسی ساسانیان. تهران: ناشر سمت.
- جوادی، غلامرضا. (۱۳۸۰). مدیریت در ایران باستان. تهران: ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۹). جغرافیای سیاسی ایران. چاپ یازدهم، تهران: ناشر سمت.
- خسرویانی و همکاران. (۱۳۹۷). زرتشت و دین زرتشتی مقالاتی از دانشنامه ایرانیکا. ویراستار: محسن نظری فارسانی، تهران: ناشر فروهر.
- خورشیدیان، اردشیر. (۱۳۹۲). اندیشه در تخت‌جمشید (پارسه). تهران: ناشر جامی.
- رحمان، امامعلی. (۱۳۹۸). نگاهی به تاریخ و تمدن آریایی. چاپ دوم، تهران: ناشر مهدی.
- سامی، علی. (۱۳۸۹). پایتخت‌های شاهنشاهی هخامنشی. تهران: ناشر پارینه.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶۷). مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. چاپ دوم، تهران: ناشر امیرکبیر.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶۴). روند شکل‌گیری شهرها و مراکز مذهبی در ایران. تهران: ناشر آگاه.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۰). تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران از دوره باستان تا ۱۳۵۵ ه.ش. تهران: چهارطاق.
- سیسیلی، دیو دور. (۱۳۸۴). ایران و شرق باستان در کتابخانه دیو دور (کتاب دوم). ترجمان: حمید بیگس شرکایی؛ اسماعیل سن‌گاری، تهران: ناشر جامی.
- شاه‌حسینی، ناصرالدین. (۲۵۳۶). تمدن و فرهنگ ایران از آغاز تا دوره پهلوی. دانشگاه سپاهیان انقلاب، چاپ سوم، ایران.
- شیروانی، زین‌العابدین. (۱۳۸۹). بستان ال سیاهه. جلد ۱، تهران: حقیقت.
- فرای، ریچارد نلسون. (۱۳۸۸). تاریخ باستانی ایران. ترجمه: منوچهر رجب‌نیا، چاپ چهارم، تهران: علمی فرهنگی.
- فرای، ریچارد نلسون. (۱۳۹۲). میراث باستانی ایران. ترجمه: مسعود رجب‌نیا، چاپ نهم، تهران: ناشر علمی فرهنگی.
- قو تیفوس. (۱۳۸۰). خلاصه تاریخ کتز یاس از کورش تا اردشیر (قوتیفوس). ترجمه: کامیاب خلیلی، تهران: ناشر کارنت.
- قدیانی، عباس. (۱۳۹۳). پایتخت‌های باستانی پارس «از شوش تا تخت‌جمشید». چاپ دوم، تهران: آروین.
- کلیکان، ویلیام. (۱۳۵۰). مادی‌ها و پارسی‌ها. ترجمه: گودرز اسعد بختیاری. تهران: ناشر شورای جشن‌ها.

- کوخ، هلید ماری. (۱۳۷۶). از زبان داریوش. ترجمه: پرویز رجبی. تهران: ناشر کارنت.
- کریم، جان. (۱۳۹۱). تاریخ تمدن ایران پرسپولیس تختگاه شاهان پارسی. جلد ۲، ترجمه: ایران نعمتی، تهران: ناشر وزرا.
- کریم، سرخوش وستا؛ استوارت سارا. (۱۳۹۳). پارتیان. ترجمه: کاظم فیروزمید، تهران: ناشر پایان.
- کمبریج. (۱۳۹۸). تاریخ ایران سلوکیان. جلد ۳، قسمت اول، ترجمه: تیمور قادری، چاپ چهارم، تهران: ناشر مهتاب.
- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۷۴). پایتخت‌های ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی، معاونت آموزش.
- کمبریج. (۱۳۸۷). تاریخ ایران ادیان و اقوام. جلد ۳، قسمت چهارم، ترجمه: تیمور قادری، تهران: ناشر مهتاب.
- گو می لف، ویلیس و همکاران. (۱۳۸۶). نگاه‌های تاریخی از دوران باستان تا انقلاب مشروطه. ترجمه: سیروس ایزدی، تهران: ثالث.
- گیرشمن، رومن؛ هرتزفیلد، ارنست. (۱۳۸۶). پرسپولیس پایتخت هخامنشی. ترجمه: افشین علیزاده، چاپ پنجم، تهران: ناشر فرهنگسرای میردشتی.
- گیرشمن، رومن؛ هرتز فیلد و ماری ژان مو له. (۱۳۸۰). سرزمین جاوید. جلد ۱، ترجمه: ذبیح‌الله منصوری، تهران: ناشر نگارستان کتاب ۱۳.
- لوکوتین، ولادیمیر گری گوری ویل. (۱۳۹۳). تمدن ایران ساسانی. ترجمه: عنایت‌الله رضا، چاپ پنجم، تهران: ناشر علمی فرهنگی.
- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۹۳). تاریخ جامع ایران. جلد ۳، تهران: ناشر مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- نامی، محمدحسن و دیگران. (۱۳۸۸). نقش عوامل جغرافیایی در انتخاب نهاد و پایتخت‌های حکومتی ایران. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- وات رز، سنت. (۱۳۹۹). ایران باستان تاریخ فشرده شاهنشاهی ۵۵۰-۳۳۰ پ. م. ترجمه: محمد ملکی، تهران: ناشر شفییعی.
- واژی، جان. (۱۳۹۳). امپراتوری هخامنشی. ترجمه: محمد آقاجری، تهران: ناشر سبزان.
- وثوقی، محمدباقر. (۱۳۸۵). بررسی منابع و مآخذ تاریخ ایران پیش از اسلام. سوم، تهران: ناشر پیام نور.
- ویزه هومر، یوسف؛ انگل برت کمپفر. (۱۳۸۸). تاریخ هخامنشیان. جلد ۷، در نقش‌رستم و تخت جمشید، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، ویراستاران هلن سنن سیسی ورد نبوغ و یان ویلم درایو رس، تهران: ناشر توس.
- هد، دان کن. (۱۳۹۴). ارتش ایران هخامنشی. ترجمه: محمد آقاجری، چاپ دوم، تهران: ناشر ققنوس.

هربرت، توماس. (۱۴۰۰). سفرنامه هربرت. ترجمه: حسن جوادی و ویلم فیلور، تهران: آباد بوم.

هرودت. (۱۳۳۶). تاریخ هرودت. ترجمه: هادی هدایتی، تهران: دانشگاه تهران.

هندل من، نوتر. (۱۳۹۸). فرهنگ‌پذیری ایرانیان و عیلامیان آغاز امپراتوری هخامنشی. ترجمه: یزدان صفایی، تهران: ناشر حکمت سینا.

حین توس، والتر. (۱۳۸۷). داریوش و ایرانیان تاریخ فرهنگ و تمدن هخامنشیان. ترجمه: پرویز رجبی، تهران: ناشر ماهی.

یانگ، پیتر ژولیوس. (۱۳۸۵). داریوش یکم پادشاه پارسی. ترجمه: داوود منشی‌زاده، تهران: ناشر ثالث.

مقالات

ایمان‌پور، محمدتقی. (۱۳۸۸). «بررسی جایگاه سیاسی ساتران هخامنشی در دوره داریوش بزرگ با تکیه بر کتیبه‌ها». مجله تاریخ ایران، ش ۶۱/۵، ۲۳-۵۶.

ایمان‌پور، محمدتقی؛ گائید، زهرا. (۱۳۹۶). «نقش سرزمین‌های شرقی ایلام ارجان و ایزده در انتقال فرهنگ ایلام نو به پارس». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲، صص ۱-۲۵.

بختور تاش، نصرت‌الله. (۱۳۵۰). «علل سیاسی و نظامی انتخاب سه پایتخت در ایران هخامنشی»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۵، صص ۸۷-۹۸.

سن‌گاری، اسماعیل؛ کرباسی، علیرضا. (۱۳۹۴). «شکل‌گیری نخستین بنیادهای جهانی شدن در عصر هخامنشی با رویکرد دینی». پژوهش‌های تاریخی اصفهان، شماره اول، (پیاپی ۲۵)، صص ۶۳-۸۴.

شاپور شهبازی، علیرضا. (۱۳۹۰). «تخت جمشید». مجله مرداد، شماره ۲۵۱ پیاپی، تهران، صص ۳-۵.

قائم‌مقامی، سیف‌الدین. (۱۳۴۶). «وجه تسمیه تخت جمشید». بررسی‌های تاریخی، شماره ۵ و ۶، صص ۹-۱۲.

مصطفوی، محمدتقی. (۱۳۴۳). «اقلیم پارس (آثار تاریخی و اماکن باستانی فارس)». انجمن آثار ملی، شماره ۴۸، شیراز، صص ۲۲.

ویس هومر، یوسف. (۱۳۹۷). «نوروز در تخت جمشید اقامتگاهی سلطنتی جشن نو». فصلنامه جندی‌شاپور، دانشگاه چمران اهواز، ترجمه: اسفندیار رحمتی، شماره ۱۵، صص ۹۱-۱۱۰.

منابع لاتین:

Henkman, w. f.m. khaksar, s. (۲۰۱۴). Elam, s Dormant sound. Landscape, music and the divine in Ancient Iran, in Archaeoacoutics Henkelman, ۲۰۱۴:۲۲۵-۲۷ and ۲۰۱۱Ibx ۱۳۱-۱۳۲ Persepolis, the Place of Ancient Iran, in Archaeoacoutics.

The Archaeology of sound publication of proceedings from the ۲۰۱۴ coferece in Myakka city. Pp:۲۱۱-۳۱.